



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 3, Issue 3, 2023

Criminal Liability of Legal Entities for Air Pollution from the Point of View of Jurisprudence and Law

Shakour Norouznia¹, Behrouz Norouzi^{2*}, Maryam Seyed Hatami³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.
(Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of International Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 129-142

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3811-4508

TELL: +989141570875

Email: beh.norouzi@yahoo.com

Article history:

Received: 17 Mar 2023

Revised: 12 Jul 2023

Accepted: 26 Jul 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

*Air Pollution, Legal Entities,
Criminal Liability,
Environment.*

ABSTRACT

Protecting the environment and paying attention to the living environment of others has always been emphasized by religious teachings, and in this, the protection of clean air, which is the basis of human life and other living beings, is of special importance. The rules of Etlaf, Tasbib, Tafrit, Harm, and the rule of respecting people's property can be mentioned in Islamic jurisprudence. The purpose of this research was to examine the criminal responsibility of legal entities against air pollution in Iran's criminal policy. In the meantime, valid jurisprudential foundations have emphasized the recognition and existence of this responsibility, and on the other hand, the Islamic Penal Code approved in 2013 also accepted it, but in the issue of dealing with air pollution, there are still challenges such as: absence of provision on joint criminal responsibility for legal entities and managers, lack of provision of differential procedure for prosecution, investigation and trial of legal entities, and lack of reference to the crimes of legal entities in criminal proceedings.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Norouznia, Sh; Norouzi, B & Seyed Hatami, M (2023). "Criminal Liability of Legal Entities for Air Pollution from the Point of View of Jurisprudence and Law" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(3): 129-142.



انجمن علمی فقه‌جرای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال آلودگی هوا از منظر فقه و حقوق

شکور نوروزنیا^۱، بهروز نوروزی^{۲*}، مریم سید حاتمی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

حفظ محیط‌زیست و توجه به محیط زندگی دیگران همواره مورد تأکید آموزه‌های دینی بوده و در این بین حفاظت از هوای پاک که اساس حیات بشری و سایر موجودات زنده است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قواعد اتلاف، تسیب، تعدی و تفریط، لاضرر و قاعده احترام اموال مردم از جمله قواعد زیست‌محیطی است که در فقه اسلامی می‌توان به آن اشاره کرد. هدف از این پژوهش بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر آلودگی هوا با توجه به مبانی فقهی حقوقی و چالش‌های موجود در سیاست جنایی ایران است در این میان، مبانی فقهی معتبر بر شناسایی و وجود این مسئولیت تأکید داشته و از طرف دیگر به صورت عام قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز آن را پذیرفته، لکن در موضوع مقابله با آلودگی هوا همچنان چالش‌هایی از جمله عدم پیش‌بینی مسئولیت کیفری مشترک و تضامنی برای اشخاص حقوقی و مدیران، مقید به نتیجه بودن بزه آلودگی هوا، عدم پیش‌بینی آیین دادرسی افتراقی جهت تعقیب، تحقیق و محاکمه اشخاص حقوقی و عدم اشاره به جرایم اشخاص حقوقی در فصول آیین دادرسی کیفری، وجود دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۹-۱۴۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۴۵۰۸-۳۸۱۱-۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۴۱۵۷۰۸۷۵

ایمیل: beh.norouzi@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

آلودگی هوا، اشخاص حقوقی، مسئولیت

کیفری، محیط‌زیست.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

امروزه محیط زیست که از ارزشمندترین نعمت‌های خداوند متعال به بشر بوده و نقش به‌سزایی در حیات همه موجودات دارد، مورد هجومه قرار گرفته و به سرعت رو به تخریب، آلودگی و زوال است. محیط زیست ایران نیز به‌عنوان بخشی از محیط زیست جهانی از این فعالیت‌های ناموجه در امان نمانده و هرچه زمان بیشتر بگذرد با تخریب و آلودگی بیشتری مواجه می‌شود. امروزه ایران شاهد حجم گسترده آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی است، به‌گونه‌ای که این فعالیت‌ها باعث بروز آلودگی و تخریب شدید بخش اعظم منابع آب، هوا و خاک شده است. همچنین رشد نامتوازن صنعت باعث انتشار بسیاری از گازهای مضر سلامت شده که بروز بسیاری از بیماری‌های قلبی و تنفسی را به دنبال داشته است. همچنین کنترل نکردن مواد آلوده کننده و پساب‌های صنعتی، کشاورزی و شهری باعث آلودگی شدید بخش بزرگی از منابع آب ایران شده است (زاهدی و خداکرمی، ۱۳۹۸: ۱۶۰-۱۶۱).

به‌طور کلی آلودگی هوا عبارت است از وجود هرگونه ترکیبات گازی یا مایع یا جامد و یا مخلوطی از آنها در هوا که با توجه به منشأ تولید، ماهیت، غلظت و مدت زمان حضور در اتمسفر بتواند به‌طور مستقیم و غیر مستقیم، سلامتی و بهداشت را به مخاطره انداخته و به جانداران و گیاهان آسیب رساند و اجسام، ساختمان‌ها و اموال را تخریب نماید و در نتیجه رفاه و آسایش عمومی و تعادل طبیعی محیط‌زیست و اتمسفر را مختل سازد. در واقع، آلودگی هوای در منطقه‌ای با منطقه دیگر متفاوت است و این امر به شرایط جغرافیایی، اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و غیره وابسته است (صدوق و شبیری، ۱۳۸۴: ۹).

امروزه عموم حقوقدانان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و نظریات مرتبط با آن را مورد تأیید قرار داده‌اند (نوربها، ۱۳۹۲: ۲۶۰). طرح بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اینجا بیشتر به این دلیل است که بسیاری از جرایم مهم محیط‌زیست توسط اشخاص حقوقی یعنی کارخانجات، کارگاه‌ها، صنایع و شرکت‌های بزرگ ارتکاب می‌یابد، معمولاً تشخیص کسی که از لحاظ کیفری مسؤول این عمل بوده است، دشوار می‌باشد. عموماً نزدیکترین فرد به علت اصلی

آلودگی به‌عنوان عامل مستقیم مسؤول شناخته می‌شود. معمولاً در شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ یک مأمور مخصوصی به سمت مأمور جلوگیری از آلودگی منصوب می‌شود. در این صورت مسئولیت کیفری متوجه او نیز می‌گردد. معذالک با توجه به ماهیت جرم، غالباً خواسته می‌شود که مقام مافوق وی به خصوص رئیس شرکت لاقلاً توأم با او دارای مسئولیت کیفری باشد. رویه قضایی در ایران حاکی از آن است که شرکت‌ها و کارخانجات به‌عنوان اشخاص حقوقی دارای مسئولیت کیفری می‌باشند لیکن مجازات‌هایی که در مورد آنان به‌کار می‌رود، عمدتاً به جزای نقدی و تعطیلی دائم یا موقت آنها محدود می‌شود. پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از یکسو دارای فوایدی است که می‌تواند نظام حقوقی را ملزم به قبول مسئولیت کیفری کند و از سوی دیگر چالش‌هایی در اثر این پذیرش ممکن است ایجاد شود که طرح و بررسی این چالش‌ها اهمیت فراوانی دارد، چراکه صرف پذیرش یک نهاد حقوقی کافی نیست و بررسی ابعاد این پذیرش و پیدا کردن راهکارهایی برای حل مشکلات احتمالی و ایجاد سازوکارهای مناسب از دغدغه‌های اصلی حقوق جزا است. در این پژوهش سعی شده است ضمن شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر آلودگی هوا با توجه به مبانی فقهی و حقوقی، چالش‌های موجود در سیاست جنایی ایران در قبال مسئولیت این گونه اشخاص نیز شناسایی گردد. بنابراین این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سؤال خواهد بود که اشخاص حقوقی با توجه به مبانی فقهی و حقوقی در قبال آلودگی هوا دارای چه مسئولیت کیفری بوده و در این زمینه چالش‌ها و راهکارها چه خواهد بود؟ پس از ذکر پیشینه موضوع مقاله، باروش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به تحلیل و تشریح موضوع خواهیم پرداخت.

دانا، قیومزاده و شمس نتری (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان آلودگی محیط‌زیست توسط اشخاص حقوقی و مسئولیت کیفری آنها نسبت به جنایات ناشی از آن بیان داشته که قانون‌گذار می‌بایست با اتخاذ رویکردی منسجم و هدفمند متکی بر حفظ محیط‌زیست و اولویت بخشیدن بر آن نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی در مقابل جرایم زیست‌محیطی،

یک رویکرد منسجم و افتراقی در پیش‌بینی واکنش‌ها به این جرایم توسط اشخاص حقوقی را تدوین و ارائه نمایند.

جعفری، عالی پور (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «مسئولیت کیفری شهرداری نسبت به آسیب‌های جسمانی ناشی از آلودگی هوای بیان داشته که شهرداری رفتار خود را به صورت فعلی و ترک فعلی در قالب مباشرت و تسبیب در ایجاد آلودگی هوا نمایان می‌سازد و از این جهت میان رفتار شهرداری به عنوان شخص حقوقی و رفتار شخص حقیقی فرقی نیست. با این حال در قبال مسئول کیفری دانستن شهرداری دو شرط بایسته است: نخست، ایجاد رابطه استناد میان جنایت و آلودگی هوا و سپس آلودگی هوا با اقدام شهرداری. دوم، وجود ارکان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی.

کاظمی و چگینی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان چالش‌های احقاق حق بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی آورده‌اند: در بسیاری از موارد، جرایم اشخاص حقوقی به دلیل نقص قانون، ایرادهای دادرسی و حمایت نکردن قانونگذار از بزه‌دیدگان، اشخاص حقوقی کیفر اعمال خود را نمی‌بینند و در مواردی محاکمه آنان با تأخیر و اطاله دادرسی مواجه می‌شود، در حالی که آثار سوء جرایم ارتكابی این اشخاص بسیار بیشتر و در مواردی غیر قابل جبران است.

فردین (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نسبت به جرایم محیط‌زیست با رویکرد فرا ملی آورده: که بر اساس قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی همچون کنفرانس استکهلم، قراردادهای چهارگانه ۱۹۴۶ ژنو و دیگر اسنادی که در رساله به آن‌ها اشاره شده است، اشخاص حقوقی اعم از اشخاص حقوقی عمومی و حقوق خصوصی در جرایم زیست‌محیطی دارای مسئولیت کیفری و مدنی هستند و برای این جرایم ارتكابی توسط آن‌ها مجازات‌های مختلفی از جمله جرایم مالی و غیر مالی در نظر گرفته شده است.

۱- مبنای فقهی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

از جمله مهم‌ترین قواعد زیست‌محیطی در فقه امامیه که می‌توان بدان اشاره نمود عبارتند از: قواعد اتلاف، تسبیب، تعدی و تفریط، لاضرر و احترام اموال دیگران (فهمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۴). با توجه به اهمیتی که مبنای فقهی در مبنای حقوقی و تدوین قوانین کشور مادارد و با توجه به قواعد زیست‌محیطی در فقه امامیه که منبعی مؤثر در مبنای فقهی به‌شمار می‌رود به بررسی هر یک از آنها و ارتباط آن با خسارات زیست‌محیطی به‌ویژه آلودگی هوا خواهد پرداخت.

۱-۱- قاعده اتلاف

نظریه یا قاعده اتلاف به استناد حدیث مشهور «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» طرح گردیده است. به همین جهت اتلاف را یکی از اسباب ضمان بر شمرده‌اند. بنابراین بدون شک می‌توان این نظریه را یکی از مهم‌ترین مبنای فقهی مسئولیت اشخاص حقوقی در قبال آلودگی هوا تلقی نمود و به تبع آن با تمسک به عموم کلمه «من اتلف» به معنای «هر کس» باید گفت شخص اعم از حقیقی و یا حقوقی چه از اشخاص حقوق خصوصی باشد چه حقوق عمومی، در صورت استناد خسارت زیست‌محیطی به فعل عامل در دایره شمول این حدیث قرار می‌گیرد. چنانچه ایراد شود که موضوع حدیث «مال الغير» می‌باشد، پاسخ آن است که محیط‌زیست و طبیعت به‌عنوان میراث مشترک بشریت و حتی نسل‌های آینده نیز می‌باشد و از نظر فقهی محیط‌زیست را چه از مشترکات عمومی و چه از مباحات در نظر بگیریم، جواز بر ورود خسارت وجود نداشته و با مانع شرعی روبه‌رو هستیم.

چون در ضمان ناشی از اتلاف تقصیر عامل، شرط تحقق نیست، این نظریه مبنای مطلوب‌تری برای مسئولیت جبران خسارت زیست‌محیطی وارده توسط اشخاص حقوقی به دست می‌دهد. بدین توضیح که اشخاص حقوقی غالباً در دعاوی زیست‌محیطی مبتنی بر جبران خسارت که از طرف اشخاص حقیقی مطرح می‌شود و از قدرت متناسب با ارگان‌هایی که اشخاص حقوقی در آن فعالیت می‌کنند برخوردار نیستند، اقدام در جهت حفظ منافع عمومی و به تبع آن تضییع حقوق اشخاص خصوصی را بهانه و مستمسک خدشه دار نمودن

عنصر تقصیر و تبعاً فرار از زیر بار مسؤولیت جبران خسارت قرار می‌دهند. حتی استناد به نظریه اتلاف به جهت حفظ مصلحت محیط‌زیست با رویه بین‌المللی که متضمن اصولی همچون «آلوده کننده باید بپردازد» یا اصل «پرداخت به وسیله آلوده‌ساز» نیز سازگارتر می‌نماید (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

۱-۲- قاعده تسبیب

در تسبیب شخص به‌طور مستقیم مباشر تلف کردن مال نیست، بلکه مقدمات آن را فراهم می‌کند. مانند اینکه شخصی چاهی در معبر عموم می‌کند و دیگری در اثر بی‌احتیاطی در آن می‌افتد. در این موارد عرف ورود ضرر را منسوب به عامل می‌داند. بنابراین در نظریه تسبیب عامل در صورتی ضامن جبران خسارت است که تقصیر وی به اثبات برسد. تقصیر اعم است از تعدی و تفریط. تعدی، تجاوز از حدود اذن یا متعارف نسبت به مال یا حق دیگری، و تفریط ترک عملی است که به موجب عرف یا قرارداد برای حفظ مال غیر، لازم می‌باشد. این تعاریف برگرفته از فقه هستند (حاجی‌نوری، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

بنابر آنچه گفته شد به نظر می‌رسد نظریه تسبیب می‌تواند کارایی کمتری در خصوص جبران خسارات زیست‌محیطی داشته باشد و نظریه اتلاف حمایت حداکثری نسبت به مسأله حمایت از محیط‌زیست اعمال می‌دارد. گذشته از اینکه نظریه تسبیب در حقوق کنونی بسیاری از کشورها به‌عنوان مبنای اصلی مسؤولیت مدنی پذیرفته شده است. از آنجایی که در زمینه دعوی مطروحه در خصوص محیط‌زیست اثبات تقصیر عامل و رابطه سببیت بین عمل شخص و خسارت زیست‌محیطی وارده امری بس مشکل است، موجب کندی روند دادرسی می‌گردد. این صعوبت و کندی مناسب جبران خسارات زیست‌محیطی نمی‌باشد، چرا که جبران این خسارات باید سریع و کامل باشد (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۳۲۱). از سوی دیگر، زمانی که طرف دعوی زیست‌محیطی اشخاص حقوقی باشد، خواهان دعوی از امکانات کمتری برای اثبات رابطه سببیت و پس از آن تقصیر عامل خواهد داشت. چراکه امروزه در دادگاه‌های داخلی عمده‌ترین و مهم‌ترین طریق

اثبات تغییر و ایجاد خسارت زیست‌محیطی و آلودگی آن با انجام استعلام ازدستگاه‌های اجرایی از جمله سازمان حفاظت محیط‌زیست یا اداره منابع طبیعی و... صورت می‌پذیرد و در صورت عدم همکاری با خواهان، نامبرده از دسترسی به تصاویر ماهواره‌ای تأیید شده و همچنین کارشناسی عادلانه و بی‌طرف که غالباً توسط دادگستری از میان کارمندان همین ادارات انتخاب می‌شود، محروم می‌گردد. علاوه‌براین زمانی که دولت یا ارگان دولتی طرف دعوی زیست‌محیطی باشد، مفهوم تقصیر می‌تواند دستخوش تزلزل و تغییر گردد. بدین توضیح که اقدام غیر کارشناسانه دولت یا ارگان دولتی ممکن است ذیل عنوان «عمل در راستای منافع عمومی» مستور گردیده و زمینه‌ساز ارائه توجیهی در مقام دفاع در قبال ادعای خواهان شود و خساراتی جبران نشده باقی بماند.

۱-۳- قاعده لاضرر

یکی از قواعد مشهوری که در ابواب مختلف فقهی از جمله عبادات و معاملات مورد استناد قرار می‌گیرد «قاعده لاضرر» است که ادله چهارگانه از کتاب، سنت، عقل و اجماع بر حجیت و اعتبار این قاعده دلالت دارند (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۳۱). ضرر شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارده بر دیگران است و معنای حدیث لاضرر آن است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و عدم مشروعیت ضرر هم شامل مرحله قانونگذاری و هم شامل فرآیند اجرای قانون می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۳۱). طبق این قاعده هرگونه حکم شرعی که باعث ورود ضرر به دیگران شود مشروع نمی‌باشد و قانونگذار نمی‌تواند قانونی وضع نماید که منشأ ورود ضرر برای دیگران و افراد جامعه باشد و این موضوع به فرآیند اجرای قانون نیز تسری دارد. در شناسایی مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی و وضع قانون در این زمینه نیز باید به این قاعده فقهی مبنایی توجه ویژه‌ای کرد و اگر در اثر فعالیت اشخاص حقوقی خسارتی به دیگری وارد شود، براساس قاعده لاضرر که بر مستندات فقهی محکمی استوار است باید از عهده غرامات وارده برآید؛ چراکه فعالیت آنها می‌تواند موجب آلودگی هوا و ورود ضرر مالی و جانی به دیگران باشد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که فعالیت کارخانجات و واحدهای تولیدی آلاینده در طول زمان موجب ورود ضرر به انسان‌ها،

محیط زندگی و موجودات زنده دیگری می‌شود که در زندگی بشریت تأثیر دارد و ممکن است در واحد زمانی بامدت کوتاه قابل ارزیابی نباشد.

محیط زندگی و موجودات زنده دیگری می‌شود که در زندگی بشریت تأثیر دارد و ممکن است در واحد زمانی بامدت کوتاه قابل ارزیابی نباشد.

علی‌رغم حمایت خوبی که قاعده لاضرر در بحث حمایت از محیط‌زیست و جلوگیری از آلودگی هوا به‌دست می‌دهد، قاعده دیگری در فقه وجود دارد که ممکن است در پاره‌ای مصادیق بر مبنای قاعده لاضرر تراحم ایجاد کند. قاعده‌ای که از آن سخن گفته می‌شود، قاعده تسلیط می‌باشد. لیکن با توجه به اینکه هیچ کس حق ندارد اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر قرار دهد، وقتی پای میراث مشترک بشریت یعنی محیط‌زیست به میان می‌آید، در صورت بروز تراحم میان قواعد لاضرر و تسلیط، قاعده لاضرر حاکم خواهد بود (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۳۲۲).

۱-۵- قاعده احترام اموال

قاعده حرمت مال مسلمان بر اساس روایت مشهور «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» از پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. معنای آن نیز چنین است که مال مسلمان همچون خون وی محترم است. نتیجه چنین احترامی به اموال مسلمانان عبارت است از عدم امکان ورود خسارت به اموال مسلمانان و دیگر اینکه این مال نباید به هدر برود، یعنی در صورت بروز خسارت یا تلف باید نقیصه وارده جبران گردد. محیط‌زیست و هوای پاک از اموال مشترک بشریت است و میراثی است که باید برای نسل‌های بعد به ارث برسد و در صورت ورود خسارت به محیط‌زیست با توجه به لزوم احترام به آن مسبب درمقابل خسارت وارده ضامن است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۳۲۳).

قاعده احترام اموال، مسؤولیت به حفاظت از محیط‌زیست را به حداکثر ممکن می‌رساند. بدین توضیح که در این نوع از مسؤولیت حتی اگر نتوان عامل را بر اساس نظریات اتلاف و یا تسبیب وادار به جبران خسارت زیست‌محیطی نمود؛ راه جبران خسارت باز است. چراکه در این نظریه حتی اگر تلف مستقیماً به فاعل اسناد پیدا نکند و یا حتی اثبات رابطه سببیت به‌جهت وجود مقدمات و واسطه‌های متعدد، متعسر یا متعذر گردد، می‌توان خسارت وارده را مشمول نقض قاعده احترام مال مسلمان قلمداد و عامل را الزام به جبران یا در صورت اقتضا پیشگیری از بروز خسارت نمود. بنابراین ضمان ناشی از نقض قاعده احترام اموال، اعم است از اتلاف و تسبیب و یا تعدی و تفریط و لاضرر. این قاعده سازگاری بیشتری با جبران خسارات زیست‌محیطی دارد. علی‌الخصوص آن هنگام که عامل بروز خسارت، حکومت و یا دولت باشد. چراکه بر اساس حدیث «حرمة مال المسلم كحرمة دمه»

محیط زندگی و موجودات زنده دیگری می‌شود که در زندگی بشریت تأثیر دارد و ممکن است در واحد زمانی بامدت کوتاه قابل ارزیابی نباشد.

علی‌رغم حمایت خوبی که قاعده لاضرر در بحث حمایت از محیط‌زیست و جلوگیری از آلودگی هوا به‌دست می‌دهد، قاعده دیگری در فقه وجود دارد که ممکن است در پاره‌ای مصادیق بر مبنای قاعده لاضرر تراحم ایجاد کند. قاعده‌ای که از آن سخن گفته می‌شود، قاعده تسلیط می‌باشد. لیکن با توجه به اینکه هیچ کس حق ندارد اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر قرار دهد، وقتی پای میراث مشترک بشریت یعنی محیط‌زیست به میان می‌آید، در صورت بروز تراحم میان قواعد لاضرر و تسلیط، قاعده لاضرر حاکم خواهد بود (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۳۲۲).

۱-۴- قاعده تعدی و تفریط

قاعده ضمان ناشی از تعدی و تفریط و بحث از آن بیشتر در مورد مسؤولیت امین مطرح شده است، بدین توضیح که امین در صورت تعدی و تفریط و بروز خسارت ضامن جبران آن است هرچند که تلف مستند به فعل او نباشد. بنابراین اگر انسان در استفاده از محیط‌زیست تعدی و تفریط کند، ضامن خسارات وارده است؛ چراکه اسلام علی‌رغم پذیرش و امضای اصل مالکیت خصوصی نسبت به مایملک و دست رنج خود، بشر را در قیاس با خداوند متعال مالک آن نمی‌شمارد، بلکه انسان در محضر خدا به‌منزله امین در نگهداری و نایب در تصرف نعمت‌های الهی است. فلذا تصرف انسان در محیط‌زیست سالم که بزرگ‌ترین نعمت الهی است باید با ملاحظه رضای خداوند متعال و اذن او باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۸). با چنین دیدگاهی نسبت به رابطه موجود میان انسان و محیط‌زیست می‌توان قاعده تعدی و تفریط را در خصوص حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان مبنای پیشگیری از بروز ضرر و پس از آن مطالبه خسارت و اعاده به وضع سابق قرار داد. همچنین این قاعده می‌تواند یکی از مبنای فقهی مسؤولیت دولت در حفاظت از محیط‌زیست و متعاقباً طرح دعوی زیست‌محیطی علیه دولت را تشکیل دهد؛ چراکه در اسلام، حاکم موظف است هر آنچه که برای حفظ حیات و

صورت است که در بعضی موارد، با ذکر ممنوعیت - مثلاً در اعمال آلاینده - مجرمانه بودن عمل را مورد تصریح قرار داده است و در برخی دیگر از مقررات با ذکر یک فعل به‌عنوان جرم و تعریف مجازات برای آن، به ایجاد ممنوعیت‌های قانونی، برای حفاظت از محیط زیست پرداخته است (یوسفی و صادقی، ۱۳۹۴: ۹).

امروزه هوای پاک برای ادامه زندگی انسان‌ها و سایر موجودات زنده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و موضوع آلودگی هوا به‌ویژه در شهرهای بزرگ از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها می‌باشد و به مسأله اصلی دولت‌ها، ملت‌ها و جامعه جهانی تبدیل شده است. با توجه به گسترش جوامع شهری، کارخانجات و افزایش وسایل نقلیه موتوری، آلودگی هوا در سطح جوامع محلی و جامعه جهانی افزایش پیدا کرده و مقابله با آن امری اجتناب‌ناپذیر است. چراکه آلودگی علاوه بر محیط زندگی از لحاظ بهداشتی نیز برای انسان‌ها مشکلاتی را به وجود آورده است و در این زمینه کشورها سیاست‌های خاصی را دنبال کرده و قوانینی در کشورها در راستای مبارزه با آلودگی هوا به تصویب رسیده که عبارتند از: ۱- قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴. ۲- آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا ۱۳۵۴/۴/۲۹. ۳- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳. ۴- قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۰۴/۲۵.

۳- مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در سیر حقوق کیفری ایران

پیش از آن که قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ در ایران به تصویب برسد، برای تخلفات اشخاص حقوقی، صرفاً در مقررات مختلف و به‌صورت غیرمنسجم، مجازات‌هایی برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده بود؛ اما پس از تصویب قانون مذکور، این امر با انسجام بیشتری مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت. در سال ۱۳۸۵، قانون جرایم رایانه‌ای، مجازات اشخاص حقوقی را صرفاً در محدوده جرایم رایانه‌ای تعریف کرده بود؛ اما در سال ۱۳۹۲ و پس از تصویب قانون مجازات اسلامی، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌صورت نظام‌مند

احترام مواهب الهی و محیط‌زیست همسان با احترام خون مسلمان بر شمرده شده و دولتی که طرف دعوی زیست‌محیطی از جمله آلودگی هوا قرار گیرد به‌سادگی نمی‌تواند به بهانه حفظ منافع عمومی، حقوق خصوصی تضییع شده را نادیده انگارد.

۲- مروری بر پیشینه تقنینی

مجازات زیست‌محیطی پاسخ و عکس‌العملی است که جامعه در برابر جرایم زیست‌محیطی از خود نشان و به این وسیله سعی می‌کند تا از محیط‌زیست خود در مقابل جرایم و مجرمین حمایت کند. اصل ۵۰ قانون اساسی اشعار می‌دارد «در جمهوری اسلامی حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات روبه‌رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد؛ از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است». در قوانین خاص و قانون مجازات اسلامی مجازات‌هایی در ارتباط با جرایم زیست‌محیطی و در راستای مقابله با آن تصویب شده که از این‌بین می‌توان به قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳، قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳ که در زمره قوانین خاص محیط‌زیست بوده نام برد. در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز به‌عنوان قانون عام قانونگذار به انشای مواد قانونی در خصوص محیط‌زیست مبادرت ورزیده (نجات و دبیری، ۱۳۹۴: ۱۷۵) و در مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ صریحاً یا تلویحاً اعمال ضد زیست‌محیطی جرم‌انگاری شده و براساس آن می‌توان مجازات‌هایی را برای مرتکبان جرایم زیست‌محیطی در نظر گرفت (موادی مثل ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶ و ۶۹۰). متأسفانه مذاقه در این مقررات نشان‌دهنده ضعف جرم‌انگاری در این حوزه می‌باشد. در برخی قواعد قانونی، به مخاطره افتادن سلامت محیط زیست کلاً، و در بعضی مقررات جزئاً - مثل بررسی مصادیق جاندار و غیرجاندار به‌صورت مجزا - مورد تقنین واقع شده است. این امر بدین معنا است که در بعضی مصادیق، تخریب زیست‌محیطی ناظر بر همه اجزای طبیعت بوده و در سایر موارد قسمتی از اجزای آن مدنظر بوده است. شیوه نگارش قوانین مذکور بدین

دارد و باتوجه به گستردگی فعالیت اشخاص حقوقی، طبیعی است قربانیان این جرم زیاد بوده و آثار آن گسترده خواهد بود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده و در قانون هوای پاک مصوب ۹۶ باتوجه به آثار زیانباری که فعالیت اشخاص حقوقی به‌ویژه کارخانجات و واحدهای تولیدی در آلودگی هوا می‌تواند داشته باشد به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخته شده و چالش‌هایی قابل مشاهده است که درمباحث زیر بدان خواهد پرداخت.

۴-۱- مقید به نتیجه بودن بزه آلودگی هوا

همانگونه که در تعریف آلودگی هوا در بند ۱ ماده ۱ قانون هوای پاک ذکر شده، انتشار مواد آلاینده زمانی مشمول تعریف آلودگی هوا خواهد شد که برای سلامتی انسان و موجودات زنده، فرآیندهای بوم‌شناختی یا آثار و ابنیه زیان‌آور بوده و یا سبب ازبین رفتن یا کاهش سطح رفاه عمومی شود. باتوجه به اینکه آلاینده‌های هوا جرمی مقید محسوب شده، برای تعقیب و محاکمه مسببان آن باید نتیجه در مستند قانونی ذکر شده واقع شود و صرف انتشار آلاینده‌ها مشمول تعریف آلودگی هوا و در نتیجه پیگیری آن نمی‌باشد. اصلاح سطح رفاه عمومی نیز موضوع مبهمی است و حدود آن مشخص نیست. این امر در حالی است که باتوجه به تأثیر غیرقابل جبران آلودگی هوا، تعقیب مرتکبان قبل از حصول نتیجه و در جهت جلوگیری از بروز خسارات بیشتر ضروری است (پوربافرانی و نعمتی، ۱۳۹۵: ۳۵۳). باتوجه به گستردگی فعالیت اشخاص حقوقی و به‌تبع آن آثار زیان‌باری که از فعالیت آن‌ها ناشی می‌شود، اقداماتی که قانونگذار در این زمینه می‌توانسته داشته باشد، جرم‌انگاری آلودگی هوا به‌صورت جرم مطلق بوده تا باتشخیص غیرمجاز انتشار آلاینده‌ها از سوی شرکت‌ها، کارخانجات و واحدهای تولیدی نسبت به تعقیب و محاکمه مرتکبان اقدام نماید.

۴-۲- نبود آیین دادرسی ویژه و دشواری کشف و تعقیب

باتوجه به اینکه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده، اقتضا داشت قانونگذار، آیین دادرسی ویژه‌ای را در مورد رسیدگی به جرایم اشخاص

در خصوص جرم‌هایی که در حدود مقررات قانونی امکان انجام به وسیله اشخاص حقوقی را داشتند، مورد تقنین واقع شد (شریفی و حبیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

حمایت همه‌جانبه کیفری از محیط‌زیست تنها زمانی محقق می‌شود که تمامی مرتکبین جرایم مذکور، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول ضمانت‌های کیفری نظام حقوقی باشند. در این میان اغلب جرایم زیست‌محیطی توسط اشخاص حقوقی و شرکتها و نه اشخاص حقیقی صورت می‌گیرد و متأسفانه دولت‌ها به‌عنوان بزرگترین اشخاص حقوقی پررنگ‌ترین نقش آلاینده‌های محیط‌زیستی را ایفا کنند. در قانون مجازات اسلامی مصوب، ۱۳۹۲، نقیصه قانون سابق در خصوص عدم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی رفع شد. در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اشخاص کیفری، مسئولیتی مجزا از اشخاص حقیقی دارند و ضمانت اجرای جرایمی که ارتکاب آن‌ها توسط اشخاص حقوقی موضوعیت دارد، در ماده ۲۰ همین قانون مورد شناسایی قرار گرفته است؛ برای مثال، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، مصادره اموال، انحلال شخص حقوقی و... گرچه این ماده استثنائاتی نیز دارد برای مثال تبصره همین ماده، بیان می‌دارد، در موارد اعمال حاکمیت، اشخاص عمومی غیردولتی و اشخاص حقوقی دولتی از شمول این ماده خارج‌اند. گرچه باید گفت این استثنا می‌تواند چالش‌هایی نیز ایجاد نماید، برای مثال سازمان‌های دولتی یا عمومی، که در حوزه صنعت فعالیت دارند و به تأمین انرژی کشور می‌پردازند، ممکن است با اقدامات آلاینده غیر استاندارد، موجبات تخریب محیط زیست را فراهم آورند (پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۶۱).

۴-۳ چالش‌های موجود در مسئولیت کیفری

اشخاص حقوقی با طی کردن تشریفات و اخذ مجوزهای قانونی تشکیل شده و ادامه فعالیت می‌نمایند و براساس اساسنامه و مجوزهای اخذ شده فعالیت آنها قانونی اعلام می‌شود و چنانچه قصداً ارتکاب جرم راداشته باشند کشف، انتساب و مبارزه با آن چالش‌ها و دشواری‌های خاص خود را

۳-۴- دشواری انتساب جرم به اشخاص حقوقی

چگونگی اثبات جرایم ارتكابی و انتساب جرم به شخص حقوقی از دشواری‌های رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی است. برای اینکه شخص حقوقی از نظر قانونی مسؤول قلمداد شود، باید بین جرایم ارتكابی و رفتار ناقض قانون آن رابطه علیت وجود داشته باشد و پرواضح است که اثبات این رابطه کارآسانی نیست، به‌ویژه زمانی که عوامل متعددی در طراحی و وقوع جرم نقش داشته باشند (کاظمی و چگینی، ۱۴۰۰: ۱۹۴). درمورد آلودگی هوا که از طریق فعالیت‌های مختلف یک شخص حقوقی و یا با مشارکت اشخاص حقوقی متعدد واقع شود، انتساب جرم به این اشخاص دشوارتر خواهد بود؛ به‌ویژه اینکه براساس تعریفی که در بند ۱ ماده ۱ قانون هوای پاک از جرم آلودگی هوا شده، این جرم مقید به نتیجه بوده و انتشار مواد آلاینده زمانی مشمول بزه آلودگی هوا خواهد شد که برای سلامتی انسان و موجودات زنده، آثار و اینبیه زیان‌آور بوده باشد، خاصه اینکه این آثار ممکن است بعد از گذشت مدت زمان طولانی از شروع آلودگی خود را نشان دهد.

۴-۴- ناکافی بودن مجازات‌ها و عدم پیش‌بینی مسؤولیت تضامنی و مشترک برای اشخاص حقوقی و مالکان و مدیران آن

در قانون هوای پاک برای جرایمی که در ارتباط با آلودگی هوا است، مجازات جزای نقدی در نظر گرفته شده و به سایر مجازات‌ها از جمله مجازات حبس اشاره‌ای نشده است. مجازات حبس در قوانین جاری ایران از مجازات‌های مؤثر در پیشگیری از جرم و یا تکرار آن است. پیش‌بینی مجازات جزای نقدی درمورد آلودگی هوا برای اشخاص حقوقی و مدیران و مالکان آن که سود سرشاری دارند، غیربازدارنده بوده و درجهت تضییع حقوق عمومی است. در مورد اشخاص حقوقی، استفاده از سایر مجازات‌های مندرج در قانون مجازات اسلامی مانند انتشار محکومیت به وسیله رسانه‌ها و مصادره اموال در پیشگیری از آلودگی هوا که سالانه هزاران نفر را به کام مرگ می‌برد، مؤثر و مفید خواهد بود.

قانون هوای پاک به غیر از آنکه در بعضی موارد در کنار مسؤولیت کیفری مالکان و مدیران اشخاص حقوقی، تعطیلی

حقوقی تدارک و تصویب می‌کرد. در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ تنها نه ماده (از ماده ۶۸۸ الی ۶۹۴) برای رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی تصویب شده که باتوجه به گستردگی جرایم و آثار زیان‌بار آن ناکافی بوده و بهتر بود قانونگذار آیین دادرسی مجزایی برای کشف، تعقیب و محاکمه اشخاص حقوقی تصویب می‌کرد یا در فصول مربوط به آیین دادرسی جرایم اشخاص حقیقی، مقررات راجع به دادرسی جرایم اشخاص حقوقی را نیز بیان می‌کرد.

باتوجه به گستردگی اشخاص حقوقی و باتوجه به اینکه با أخذ مجوزهای قانونی فعالیت می‌کنند و رفتارهای مجرمانه این اشخاص در محیط‌های فنی و با استفاده از دانش و تخصص مرتکبان به وقوع می‌پیوندد، کشف این جرایم به‌ویژه از سوی ضابطان عام دادگستری دشوار و گاهی غیرممکن است. ضابطان عام درخیلی از موارد آموزش و دانش لازم در کشف جرم و فعالیت‌هایی که اشخاص حقوقی انجام می‌دهند برخوردار نیستند و بهتر بود قانونگذار در کشف جرایم اشخاص حقوقی، ضابطان خاصی را که دارای تحصیلات و تخصص لازم درباره فرآیند چگونگی ارتكاب جرم و روش‌های نوین نقض قانون باشند پیش‌بینی می‌کرد (شکریان، ۱۳۹۰: ۶۹).

به موجب ماده ۳۱ قانون هوای پاک، نیروی انتظامی و یگان حفاظت محیط‌زیست که دوره آموزشی ضابط دادگستری را طی کرده باشند، برای اجرای مفاد قانون به‌عنوان ضابط دادگستری تعیین شده‌اند که به‌جهت وظایفی که درجهت حفظ محیط‌زیست دارند، نقطه قوتی درجهت کشف و تعقیب بزه آلودگی هوا می‌تواند باشد. البته ذکر این نکته ضروری است که آموزش‌هایی که به ضابطان داده می‌شود بیشتر به‌صورت بیان قواعد عمومی کشف و تعقیب جرایم بوده و بهتر بود باتوجه به فلسفه وجودی و تکالیفی که سازمان حفاظت محیط‌زیست دارد، مأمورین ویژه‌ای از سازمان مذکور که دارای تحصیلات و دانش کافی به‌ویژه در زمینه فعالیت اشخاص حقوقی باشند، به‌عنوان ضابط خاص دادگستری برای کشف و تعقیب آلودگی هوا که از ناحیه این اشخاص انجام می‌گیرد پیش‌بینی می‌شد.

گرفته است؛ برای مثال، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، مصادره اموال، انحلال شخص حقوقی و... این ماده استثنائاتی نیز دارد برای مثال تبصره همین ماده، بیان می‌دارد، در موارد اعمال حاکمیت، اشخاص عمومی غیردولتی و اشخاص حقوقی دولتی از شمول این ماده خارج‌اند. گرچه علی‌رغم نیاز به حفظ اقتدار این اشخاص برای ارائه خدمات هرچه بیشتر باید گفت این استثنا می‌تواند چالش‌هایی نیز ایجاد نماید (موسوی مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۷). برای مثال سازمان‌های دولتی یا عمومی که در حوزه صنعت فعالیت دارند و به تأمین انرژی کشور می‌پردازند، ممکن است با اقدامات آلاینده غیر استاندارد، موجبات تخریب محیط زیست را فراهم آورند. در همین راستا باید گفت، شاید اعمال بعضی ضمانت اجراها مانند انحلال، در مورد اشخاص حقوقی دولتی موضوعیت نداشته باشد، اما می‌توان بعضی دیگر از مجازات‌های ماده ۲۰ مانند منتشر نمودن حکم محکومیت را در مورد این اشخاص اعمال نمود. زیرا اعمال مجازات، نمودی از وجود مسئولیت برای این اشخاص، در خصوص تعیین سیاست‌های کلی مؤثر بر محیط زیست، در قبال نسل‌های کنونی و آینده است.

۴-۶- عدم شناسایی مسئولیت کیفری نسبت به اشخاص

حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی

قانونگذار ایرانی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به‌نحو مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته و در ماده ۲۰ همان قانون، ضمانت اجراهای مختلفی را در مورد جرایم اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. اما در تبصره این ماده، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی را در مقام اعمال حاکمیت، مشمول مجازات‌های ماده ۲۰ قانون مجازات ندانسته است. هرچند چنین نمایان است که، مقرر نمودن تبصره مذکور، در راستای اهمیت قانون‌گذار به ادامه اعمال دولتی و حاکمیتی است (پور بافرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۶۰) اما از آنجا که دولت مهم‌ترین مخرب و آلوده کننده هوا است و عملاً در جهت کسب سود و منافع اقتصادی، حق برخورداری از محیط‌زیست سالم را نقض می‌کند، ضروری است تا دولت را به‌عنوان

آن اشخاص حقوقی را پیش‌بینی کرده‌اند، در موارد دیگر، مسئولیتی مشترک و تضامنی برای اشخاص حقوقی و مالکان یا مدیران آنها مقرر نکرده‌اند. این در حالی است که مزایای مسئولیت کیفری تضامنی شرکت‌ها و مدیران آنها در جرایم زیست‌محیطی انکارناپذیر است؛ این مزایا عبارتند از: ۱- توان مالی بهتر شرکت‌ها نسبت به مدیران آنها برای جبران خسارت‌های وارده به محیط‌زیست؛ ۲- ترغیب شرکت‌ها به مراقبت و نظارت بیشتر بر مدیرانشان؛ ۳- ممانعت از اینکه افراد سودجو با تأسیس شرکت و در پوشش آن به فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست بپردازند؛ ۴- تضمین جبران کامل خسارت‌های وارده به محیط‌زیست از اموال شخصی مدیران، در صورت فراتر رفتن این خسارت‌ها از دارایی شرکت؛ ۶- امکان اعمال همزمان مجازات‌های مالی و حبس و در نتیجه ارتقاء ویژگی پیشگیرانه قوانین کیفری زیست‌محیطی (عبداله‌ی، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

۴-۵- عدم مجازات نسبت به اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی

با توجه به قدرت و اهمیت اشخاص حقوقی، قائل نشدن مسئولیت برای آنان می‌تواند چالش‌های زیادی به همراه داشته باشد. همچنین ارتکاب جرایم توسط این اشخاص، زیاد بوده و از اهمیت و گستره آثار بیشتری برخوردار است. از این رو غالب اندیشمندان حقوقی، وجود مسئولیت و ایجاد ضمانت اجرا در برابر اعمال متخلفانه و مجرمانه این اشخاص را ضروری می‌دانند. پیش از آن که قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ در ایران به تصویب برسد، برای تخلفات اشخاص حقوقی، صرفاً در مقررات مختلف و به‌صورت غیرمنسجم، مجازات‌هایی برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده بود؛ اما در سال ۱۳۹۲ و پس از تصویب قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌صورت نظام‌مند در خصوص جرم‌هایی که در حدود مقررات قانونی امکان انجام به وسیله اشخاص حقوقی را داشتند، مورد تقنین واقع شد. در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اشخاص کیفری، مسئولیتی مجزا از اشخاص حقیقی دارند و ضمانت اجرای جرایمی که ارتکاب آن‌ها توسط اشخاص حقوقی موضوعیت دارد، در ماده ۲۰ همین قانون مورد شناسایی قرار

برجسته‌ترین شخص حقوقی دارای مسؤلیت کیفری بدانیم. ضمناً در ماده ۲۰ قانون یادشده گفته شده که شخص حقوقی بزهکار با توجه به شدت جرم و نتایج زیان‌بار آن به ضمانت‌های اجرایی که ذکر شده محکوم می‌شود، اما مشاهده می‌شود که با وضع تبصره این ماده، قانون‌گذار عملاً از اعمال مجازات نسبت به دولت در جرایم زیست‌محیطی که هم از شدت بالایی برخوردار است و نتایج زیان‌بار غیرقابل جبرانی دارد، چشم‌پوشی کرده است.

چنانچه دولت یک جرم زیست‌محیطی مثل آلودگی هوا را مرتکب شود و اینطور اظهار شود که آلودگی هوا یکی از مضرات فعالیت‌های کارخانه بوده اما اشتغال چندین هزار کارگر در آن کارخانه در راستای منافع عمومی است، این استدلال مردود است، زیرا به موجب اصل ۵۰ قانون اساسی ایران، هر فعالیتی اعم از اقتصادی و غیره در صورتی که سبب ورود آسیب غیر قابل‌ترمیم به اکوسیستم طبیعی شود، ممنوعیت دارد. اصل مساوات از اصول مسلم قانون اساسی است و نمی‌توان از آن به بهانه حفظ ارزش‌های اساسی یا به دلیل تفاوت وضعیت اشخاصی که موضوع قانون قرار می‌گیرند، چشم‌پوشی کرد (حاجی‌وند و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵).

۴-۷- عدم وجود ضمانت اجرا در مورد بهره‌برداری اشخاص حقوقی از واحدهای آلاینده

طبق ماده ۱۱ قانون هوای پاک هرگونه احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی مستلزم رعایت مقررات ابلاغی از سوی سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌باشد و سازمان موظف است حداکثر ظرف مدت یکماه به استعلام‌های درخواست جواز تأسیس و بهره‌برداری پاسخ دهد. در صورت اعتراض متقاضی به نظر سازمان مذکور به این اعتراض در کمیسیون رسیدگی می‌شود و تکلیف کمیسیون مورد اشاره در تبصره یک ماده موصوف در خصوص اظهار نظر آلاینده با توجه به محدوده حریم و فاصله با شهر و روستا نیز مؤید همین امر می‌باشد، زیرا این موضوعات مباحثی است که در احداث و توسعه یک واحد مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به مطالب

فوق برای بهره‌برداری از واحدهای موضوع ماده ۱۱ برخلاف مقررات هوای پاک ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشده و این امر می‌تواند سبب ایجاد نگرانی‌هایی در تداوم عملکرد واحدهای مذکور گردد. با این توضیح که در صورتی که در بدو امر و زمان ساخت، استانداردهای لازم در جهت پیشگیری از آلودگی هوا و تخریب محیط زیست رعایت گردد، اما پس از ساخت و در هنگام استفاده از این واحدها، این استانداردها اجرا نشود، تخریب محیط زیست از طریق تولید آلاینده‌ها تحقق پیدا می‌کند (مشهدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳).

نتیجه‌گیری

در نظام کیفری ایران به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت عام و با توسل به اصل موسع نمایندگی مورد پذیرش قرار گرفته و این مسؤلیت از رهگذر تقصیر کیفری فردی و انتساب آن به شخص حقوقی امکان‌پذیر خواهد بود. در قانون یاد شده سعی شده که ضمانت‌های اجرایی متناسب با اشخاص حقوقی برای برخورد با آنها استفاده شود. مجازات‌هایی چون انحلال، مصادره، جزای نقدی، انتشار حکم، محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی مثل ممنوعیت از فعالیت‌های شغلی ممنوعیت از دعوت عموم برای افزایش سرمایه و ممنوعیت از اصدار اسناد تجاری. بدین ترتیب، مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی از بابت تدوین مسؤلیت کیفری نقطه عطفی در قانونگذاری محسوب می‌شود.

مطابق اصل ۵۰ قانون اساسی ایران هر فعالیتی اعم از اقتصادی و غیره در صورتی که سبب ورود آسیب غیر قابل‌ترمیم به اکوسیستم طبیعی شود، ممنوعیت دارد. و همه اشخاص حقیقی و حقوقی که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند، مکلفند ضوابط حفاظت از محیط‌زیست از جمله ضوابطی که منجر به آلودگی هوا می‌شود اجتناب نمایند و باتوجه به ارزش حیاتی آن برای انسان و سایر موجودات زنده هیچ استثنایی پذیرفته نخواهد بود. در رابطه با آلودگی هوا کشورها سیاست‌های خاصی را دنبال کرده‌اند و در راستای مبارزه با آلودگی هوا و رفتارهای آلوده‌کننده هوا در کشور ما نیز قوانینی به تصویب رسیده که عبارتند از: ۱- قانون

دوم، لزوم تدوین آیین دادرسی خاص در جهت تعقیب، تحقیق و محاکمه اشخاص حقوقی؛

سوم، باتوجه به دشواری انتساب آلودگی هوا به اشخاص حقوقی به ویژه زمانی که در آلودگی هوا عوامل متعدد یا اشخاص حقوقی متعددی دخالت داشته باشند، قانونگذار در جهت پویایی سیاست جنایی درمقابل با آلودگی هوا علاوه بر پیش بینی بزه آلودگی هوا به عنوان جرم مطلق، می تواند در انتساب بزه از ضابطه احراز عنصر روانی در احراز جرم فاصله بگیرد چراکه به دلیل گستردگی فعالیت اشخاص حقوقی از جمله کارخانجات و شرکت های بزرگ تولیدی آسیب های وارده بر هوای پاک بسیار زیاد و غیر قابل جبران می باشد و از طرفی به دلیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی اشخاص حقوقی و مدیران و مالکان آن احراز عنصر روانی بزه ممکن است با پیچیدگی خاصی روبه رو بوده یا حتی غیر ممکن شود.

چهارم، قانون هوای پاک در کنار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی برای مالکان و مدیران آن نیز مجازات هایی را پیش بینی کرده است. برای مثال به موجب تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون در صورتی که پس از تعطیلی کارخانجات، واحدها و کارگاه های تولیدی، صنایع نفتی و گازی، نیروگاه ها و سایر واحدهای تولیدی، خدماتی و معدنی آلاینده هوا مالکان، مسؤولان و مدیران رأساً و بدون اجازه از سازمان حفاظت محیط زیست اقدام به بازگشایی و ادامه فعالیت آنها نمایند، به پرداخت جزای نقدی معادل سه تا پنج برابر خسارت وارده به محیط زیست محکوم می شوند. امام مسؤولیت مشترک و تضامنی برای اشخاص حقوقی و مالکان، مدیران و مسؤولان آن پیش بینی نکرده است. این در حالی است که مزایای مسؤولیت کیفری تضامنی واحدهای آلاینده هوا و مسؤولان آن در حفظ هوای پاک انکارناپذیر است. در قانون برای جرایمی که در ارتباط با آلودگی هوا است جزای نقدی پیش بینی شده است، استفاده از سایر مجازات ها از جمله انتشار محکومیت به وسیله رسانه ها، محرومیت از حقوق اجتماعی، لغو مجوز ادامه فعالیت اشخاص حقوقی و پیش بینی مجازات حبس برای مدیران و مسؤولان اشخاص حقوقی که از قدرت اقتصادی و

حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴. ۲- آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا ۱۳۵۴/۴/۲۹. ۳- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳. ۴- قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۰۴/۲۹. باتصویب قانون هوای پاک در سال ۱۳۹۶ قوانینی که ضمانت اجراهایی را برای آلودگی هوا پیش بینی کرده بود منسوخ شده و قانون حاکم بر پیشگیری از آثار زیانبار و مقابله با منابع آلوده کننده هوا، جهت رعایت بهداشت محیطی و حفظ جان انسان ها و سایر موجودات زنده این قانون می باشد.

مبانی فقهی زیادی در جهت شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جهت جلوگیری از رفتارهای مخاطره آمیز و حفاظت از هوای پاک وجود دارد از جمله قواعد لاضرر، اتلاف، تسبیب و احترام اموال دیگران. اشخاص حقوقی یکی از مهمترین کارکردهای فعالیت اقتصادی را در جامعه برعهده دارند و به تبع اجرای مسئولیت، در برخی موارد ممکن است مرتکب آلودگی هوا و سبب ورود خسارت به دیگران شوند و قواعد مذکور در جهت شناسایی مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوقی در جهت تأیید یا حمایت از ادله مسئولیت اشخاص حقوقی می تواند مورد استناد قرار گیرد. هر چند پیش بینی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشخاص حقوقی یک اقدام راهبردی در جهت جلوگیری و کاهش آلودگی هوا است اما در این زمینه چالش هایی وجود دارد که در این زمینه پیشنهادهایی ارائه می شود:

اول، پیش بینی جرم آلودگی هوا به عنوان جرم مطلق؛ براساس بند ۱ ماده ۱ قانون هوای پاک جرم مقید به نتیجه بوده، باتوجه به گستردگی فعالیت اشخاص حقوقی و به تبع آن، آثار زیانباری که از فعالیت آن ها ناشی می شود اقداماتی که قانونگذار در این زمینه می تواند داشته باشد، جرم انگاری آلودگی هوا به صورت مطلق بوده تا با تشخیص غیرمجاز بودن فعالیت و انتشار آلاینده ها از سوی شرکت ها، کارخانجات و واحدهای تولیدی و صنعتی نسبت به تعقیب مرتکبان اقدام شود.

- پوربافرانی، حسن و همتی، مرضیه (۱۳۹۵). «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست‌محیطی». فصلنامه مجلس و راهبرد، ۸۷: ۳۴۹-۳۷۳.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *اسلام و محیط‌زیست*. چاپ اول. قم: انتشارات اسراء.

- حاجی نوری، غلامرضا (۱۳۹۱). «نقش تقصیر در ضمان ناشی از تسبیب». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۲(۳): ۱۴۳-۱۵۸.

- حاجی‌وند، امین؛ میرکمالی، علیرضا؛ صفری، فرشید و سروی‌سرمیدانی، امید (۱۳۹۷). «مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها». فصلنامه علوم محیطی، ۲: ۶۵-۸۲.

- دانا، امیررضا؛ قیوم‌زاده، محمود و شمس‌ناتری، محمد ابراهیم (۱۴۰۱). «آلودگی محیط‌زیست توسط اشخاص حقوقی و مسئولیت کیفری آن‌ها نسبت به جنایات ناشی از آن». فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۴: ۸۳۵-۸۵۳.

- زاهدی، علیرضا و خداکرمی، نبی (۱۳۹۸). «تحلیل و بررسی جرم آلودگی هوا در شهرهای ایران از منظر حقوق کیفری و کنوانسیون‌های بین‌المللی». فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۴: ۱۵۹-۱۸۳.

- شاهچراغ، حمید (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن‌لا». حقوقی‌دگستری، ۷۸: ۷۷-۱۱۴.

- شریفی، محسن؛ حبیب‌زاده، محمد جعفر؛ عیسائی تفرشی، محمد و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۲). «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران». مجله حقوقی دادگستری، ۸۲: ۱۱۷-۱۵۹.

- شکریان، مرضیه (۱۳۹۰). تعقیب جرم شرکتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

نفوذ اجتماعی برخوردارند، در پیشگیری از آلودگی هوا راهگشا و مؤثر خواهد بود.

پنجم، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ اقدامی ابتکاری ازسوی قانونگذار بود اما به موجب تبصره ماده ۲۰ قانون درمورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی درموردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، کیفری اعمال نمی‌شود. باتوجه به اینکه دولت مهم‌ترین مخرب و آلوده کننده هوا بوده و تعداد اشخاصی که در تبصره مذکور آمده از فراوانی بیشتری برخوردار است، در صورتی که ضوابط حفاظت از هوای پاک را رعایت نمایند و از طرفی ضمانت اجرای کیفری برای مجازات آنها وجود نداشته باشد، آثار آن فاجعه‌بار خواهد بود. مع‌الوصف شخص حقوقی که براساس ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مسؤول شناخته می‌شود با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به کیفرهایی که ذکر شده محکوم می‌شود. بنابراین پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی که در آلودگی محیط‌زیست و از جمله هوا از شدت زیاد برخوردار بوده و نتایج زیان‌باری دارد و از طرفی به نوعی متولی اجرای سیاست‌های هوای پاک هستند، در دستیابی به هوای پاک و سلامتی شهروندان ضروری است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل می‌باشد و از تمامی کسانی که در نگارش این اثر یاری رسانده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- صدوق، محمدباقر و نسیم، شبیری (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر شناخت آلودگی هوا. چاپ اول، اراک: اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان مرکزی.
- عالی‌پور، حسن و جعفری، مصطفی (۱۴۰۱). «مسئولیت کیفری شهرداری نسبت به آسیب‌های جسمانی ناشی از آلودگی هوا». مجله حقوقی دادگستری، ۱۲۰: ۷۳-۹۳.
- عبدالهی، محسن (۱۳۸۶). «حمایت کیفری از محیط‌زیست: تاملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی». علوم محیطی، ۵: ۹۷-۱۱۷.
- فردین، مینا (۱۳۹۸). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نسبت به جرایم محیط‌زیست با رویکرد فراملی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شهر قدس: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فهیمی، عزیزاله و مشهدی، علی (۱۳۹۰). «فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست‌محیطی». فصلنامه حقوق، ۴۱: ۳۱۳-۳۲۶.
- کاظمی، سیدسجاد و چگینی، حامد (۱۴۰۰). «چالش‌های احقاق حق بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی». فصلنامه مطالعاتی حقوق بشر/اسلامی، ۲: ۱۸۱-۲۰۱.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۲). قواعد فقه (بخش مدنی). چاپ دهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مشهدی، علی (۱۳۹۲). درآمدی بر حقوق مجوزهای دولتی. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- مشهدی، علی؛ بارانی، محمد و کریمی، منظر (۱۳۹۹). «مبانی فقهی-حقوقی درمقابله با رفتارهای آلوده کننده هوا». مجله مطالعات فقهی و فلسفی، ۲: ۱-۱۷.
- موسوی بجنوردی، محمدحسن (۱۳۸۹). القواعد الفقهیه. نجف: مطبعه الاداب.
- موسوی مجاب، سید درید و رفیع زاده، علی (۱۳۹۴). «دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی». فصلنامه پژوهش حقوق، ۱۳: ۱۴۷-۱۶۹.
- نجات، سیدامین و دبیری، فرهاد (۱۳۹۴). «بررسی چالش‌های کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی». مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۱۰: ۱۷۳-۱۹۷.
- نوربها، رضا (۱۳۹۲). زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- یوسفی کهریزه، طاهر و سمیرا، صادقی (۱۳۹۴). بررسی جرایم علیه محیط‌زیست در پرتو حقوق کیفری ایران اولین همایش ملی حفاظت و احیای تالاب‌ها و دریاچه‌ها با تأکید بر دریاچه زریوار مریوان. سندج: دانشگاه آزاد اسلامی.